

# تاریخ ژاپن و انقلاب میجی

○ دکتر عطاءالله حسینی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

نمایی از پاگودا یا برج مقدس،  
نیایشگاه یاکوشی  
(یاکوشی جی)، ایالت نارا

ژاپن کشور کوچکی است در اقیانوس آرام و شرق قاره آسیا که از چهار جزیره هوکایدو، هونشو، شیکوکو، و کیوشو و چندین جزیره کوچک دیگر تشکیل یافته و در مجموع وسعت آن کمتر از یک چهارم وسعت سرزمین ایران می‌باشد.

این کشور کوچک از موقعیت استراتژیک و مهمی برخوردار است، چنانکه فاصله آن با کره از طریق تنگه‌های تسوشیما<sup>۱</sup> و کره حدود ۲۱۴ کیلومتر و فاصله هوکایدو - شمالی‌ترین جزیره‌اش - با نزدیکترین نقطه از خاک اصلی روسیه حدود ۳۳۲ کیلومتر است، فاصله همین جزیره با جزیره ساخالین، از طریق تنگه سویا<sup>۲</sup> حدود ۴۸ کیلومتر، و فاصله آن با جزایر کوریل<sup>۳</sup> که تحت اشغال روسیه است، کمتر از ۱۸ کیلومتر می‌باشد. این مجاورت به روسیه از مهم‌ترین عناصر جغرافیایی سیاسی ژاپن به‌ویژه پس از جنگ دوم جهانی است.

از طرف دیگر این کشور بر سر راه کوتاه‌ترین و مهم‌ترین خطوط مواصلاتی بین آمریکای شمالی و شرق آسیا در اقیانوس آرام قرار گرفته است و کشتی‌هایی که از سواحل غربی ایالات متحده آمریکا به مقصد چین، هنگ‌کنگ و کشورهای جنوب شرقی آسیا حرکت می‌کنند، معمولاً در بنادر آن پهلو می‌گیرند. لذا ژاپن حائلی است بین اقیانوس آرام و کشورهای روسیه و چین. آغاز تاریخ ژاپن، با مردمانی از نژادهای آینو<sup>۴</sup> و مغولی<sup>۵</sup> که از شینتوئیسم<sup>۶</sup>، بودیسم<sup>۷</sup>، کنفوسیائیسم<sup>۸</sup> و مسیحیت<sup>۹</sup> پیروی می‌کنند، به سده‌های پیش از میلاد حضرت مسیح (ع) باز می‌گردد و از آن هنگام تاکنون تنها یک سلسله امپراتوری بر آن فرمانروایی کرده است که هیروهیتو<sup>۱۰</sup> آخرین آنان می‌باشد. تا قرن نهم میلادی امپراتور، حکمران بلامنزاع بود ولی پس از آن با قدرت گرفتن خانواده‌هایی از اشراف، اقتدار وی به ضعف گرایید تا اینکه در اواخر قرن دوازدهم میلادی نظامیان غلبه کردند و امپراتور را کاملاً منزوی نمودند. از اواخر قرن دوازدهم میلادی تا نیمه دوم قرن نوزدهم طی حدود هفتصد سال، حکومت معروف به شگونی<sup>۱۱</sup> در ژاپن به قدرت رسید. کسانی که در رأس این حکومت‌ها قرار داشتند از امپراتور لقب شگون<sup>۱۲</sup> به معنی سپهسالار گرفته بودند که

زاین از سال ۱۰۱۹ شمسی (۱۶۴۰ م.)  
 قدم به دوران انزوای خود خواسته‌ای نهاد که  
 بیش از دو بیست سال طول کشید. دوران مزبور  
 در سال ۱۲۳۲ شمسی (۱۸۵۳ م.) با ورود یک ناوگان کوچک آمریکایی  
 به سواحل زاین به پایان برده شد و در پی آن خارجی‌ان به زاین سرازیر شدند

با سقوط حکومت شگونی، امپراتور موتسو هیتو  
 به رسم پیشینیان نام سلطنتی میجی را برای دوران سلطنتش  
 که چهل و پنج سال دوام آورد، برگزید

هشتاد درصد جمعیت را شامل می‌شدند و با شورش‌هایی که به راه می‌انداختند  
 مشکل اساسی حکومت شگونی به حساب می‌آمدند. نارضایتی بین طبقات  
 دیگر نیز وجود داشت و بسیاری هنوز دل در گرو امپراتور منزوی<sup>۲۲</sup> داشتند.

#### پایان دوران انزوا:

در چنین احوالی بود که ناوگان کوچکی مرکب از چهار کشتی جنگی به  
 فرماندهی ناخدای آمریکایی ماتیوپری<sup>۲۳</sup> در ۲۳ تیرماه ۱۲۳۲ شمسی (۱۲ ژوئیه  
 ۱۸۵۲ م.) در ساحل خلیج ایدو<sup>۲۴</sup> (توکیو امروزی) پهلو گرفت. پری حامل  
 پیامی از رئیس جمهور وقت<sup>۲۵</sup> آمریکا به امپراتور زاین - کومه‌ئی - بود که طی  
 آن ایالات متحده خواستار گشایش روابط تجاری با زاین، حفاظت از کشتی‌های  
 دچار خرابی شده آمریکایی، و تدارک زغال‌سنگ و دیگر ملزومات جهت  
 کشتی‌های تجارتی در یک یا دو بندر زاینی، گردیده بود. پری پس از تحویل  
 پیام به مقامات عالی‌رتبه زاینی و تهدید به بازگشت برای جواب، سواحل آن  
 کشور را به قصد چین که در این هنگام گرفتار شورش «تای بینگ»<sup>۲۶</sup> بود و  
 احتمال خطر نسبت به منافع اقتصادی آمریکا نیز می‌رفت، ترک گفت و ابتدا  
 به اوکیناوا<sup>۲۷</sup> و سپس به هنگ‌کنگ رفت. اما پس از چند ماه، و این بار در رأس  
 ناوگانی قوی‌تر از پیش، در بهمن ماه ۱۲۳۲ شمسی (فوریه ۱۸۵۴) بازگشت و  
 خواستار عقد پیمانی با زاین گردید.

زامداران حکومت شگونی، طی شش ماهی که پری در رفت و بازگشت  
 بود و اینان فرصت تصمیم‌گیری داشتند، ترجمه خواسته‌های آمریکا را به دربار  
 امپراتور، دایمیوها<sup>۲۸</sup> (اشراف فنودال)، مقامات بلندپایه دولتی و دانشمندان  
 سرشناس کنفوسیوسی در سراسر زاین ارسال کردند و نظریات آنان را نسبت  
 به نحوه عمل در برابر خواسته‌های مزبور جویا شدند. در جواب، عموماً دو نظر  
 ابراز گردید. گروهی معتقد بودند باید از فرصت مناسبی که پیش آمده است،  
 بهره گرفت و در برابر بیگانه پایداری کرد. زیرا دیگر هرگز چنین فرصتی  
 به‌دست نخواهد آمد؛ گروهی نیز بر این باور بودند که چون زاین فاقد نیروی  
 دریایی و تأسیسات نیرومند دفاعی در بنادر است، ناگزیر باید فعلاً از در مصالحه  
 درآمده، بر تکنیک‌های فنی آنان واقف و مسلط شده و در موقع مناسب  
 برایشان فائق آید. نظریه دوم با توان حکومت شگونی مناسبت تام داشت، لذا  
 مقبول واقع گردید و به ناخدا پری جواب مثبت داده شد.

#### دوران قراردادهای تحمیلی:

به ترتیبی که گذشت ناخدا پری موفق به انجام مأموریت محوله گردید و  
 سرانجام در ۱۱ فروردین سال ۱۲۳۳ شمسی (۳۱ مارس ۱۸۵۴) نخستین  
 پیمان زاین با کشوری بیگانه در یک دهکده کوچک ماهیگیری به نام

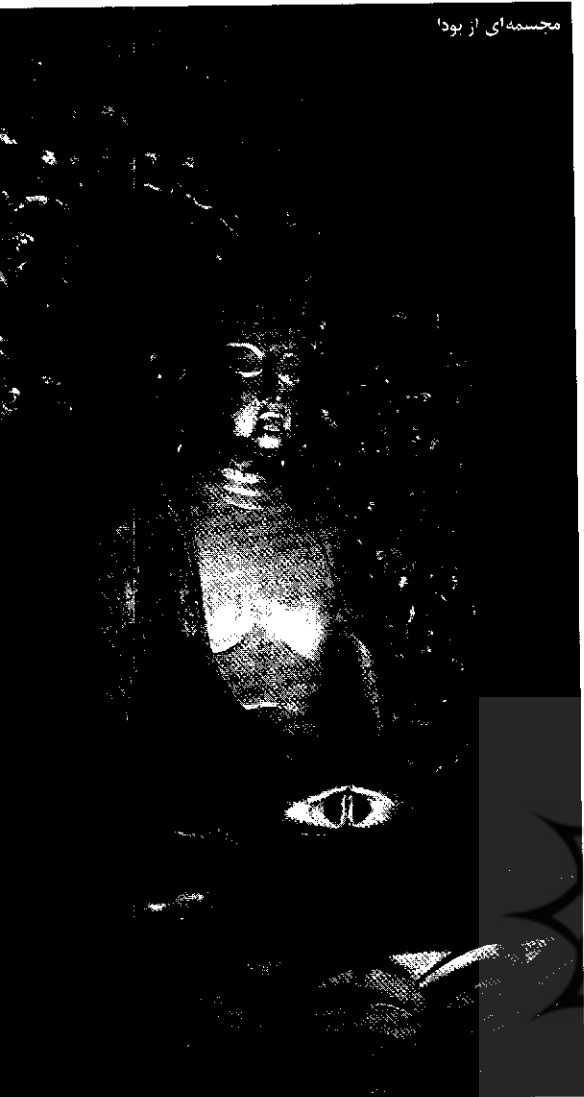
به‌طور موروثی در خاندان شان باقی می‌ماند. در دوران سومین حکومت  
 شگونی که معروف به شگونی توکواوا<sup>۲۹</sup> بود رویدادهایی به وقوع پیوست که  
 زمینه‌ساز تاریخ آینده زاین شد.

پیش‌تر در سال ۹۲۱ شمسی (۱۵۴۲ م) پرتغالی‌ها به زاین رسیدند و به  
 فعالیت‌های تجاری مشغول شدند. در پی اینان فرانسیس خاویز<sup>۳۰</sup> وارد زاین  
 گردید و به تبلیغ مسیحیت پرداخت. نیم قرن پس از او در سال ۹۷۹ شمسی  
 (۱۶۰۰ م.) که هلندی‌ها و انگلیسی‌ها نیز باب تجارت با زاین را گشودند،  
 هزاران نفر از زاینی‌ها به مسیحیت گرویده بودند. در این ایام، زاین گرفتار  
 مسائل داخلی خود و مواجه با قیام‌های دهقانی و ناآرامی‌های ناشی از آن بود  
 و به علت اینکه در شورش‌های منطقه ناگذازی<sup>۳۱</sup> بسیاری از مسیحیان زاینی  
 شرکت کرده بودند و گمان می‌رفت که تجار و مبلغان خارجی در ناآرامی‌های  
 مزبور دست داشته باشند، برای قطع نفوذ بیگانگان، حکومت شگونی تصمیم  
 به قلع و قمع مسیحیان زاینی و اعدام و اخراج خارجی‌ان گرفت.

نیمه اول قرن هفدهم میلادی دوران سخت برخوردهایی از این نوع بود  
 که اوج آن را می‌توان بین سال‌های ۱۰۱۲ شمسی (۱۶۳۳ م.) تا ۱۰۱۸ شمسی  
 (۱۶۳۹ م.) دانست که طی آن مدت، حکومت شگونی بیانیه‌هایی صادر کرد و  
 خواستار قطع نفوذ خارجی و سرکوب مسیحیان زاینی گردید. این خواسته  
 سرانجام تحقق یافت و پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و انگلیسی‌ها ناگزیر از قطع  
 رابطه شدند، تنها هلندی‌ها و چینی‌ها تحت نظر عوامل شگونی و در سطحی  
 محدود مجاز به ادامه تجارت با زاین گردیدند.

بدین ترتیب زاین از سال ۱۰۱۹ شمسی (۱۶۴۰ م.) قدم به دوران انزوای  
 خود خواسته‌ای نهاد که بیش از دو بیست سال طول کشید. دوران مزبور در سال  
 ۱۲۳۲ شمسی (۱۸۵۳ م.) با ورود یک ناوگان کوچک آمریکایی به سواحل  
 زاین به پایان رسید و در پی آن خارجی‌ان به زاین سرازیر شدند و در انعقاد  
 پیمان‌های (به گفته زاینی‌ها) تحمیلی و یک جانبه بر یکدیگر پیشی گرفتند.  
 این بار نه حکومت شگونی رو به زوال توکواوا که توان هیچ‌گونه ایستادگی را  
 در خود نمی‌دید، بلکه دوستداران امپراتور، پرچم مبارزه با بیگانگان را به دست  
 گرفتند و شعار «تکریم امپراتور و طرد خارجی»<sup>۳۲</sup> را سر دادند.

وقتی که آمریکا اقدام به گشودن درهای بسته زاین نمود، جامعه فنودالی  
 این کشور دچار مشکلات داخلی خود بود. سامورایی‌ها، دهقانان، صنعتگران، و  
 بازرگانان به ترتیب اهمیت، اقشار چهارگانه جامعه زاینی را تشکیل می‌دادند.  
 سامورایی‌ها صاحب ثروت و مکتب و دارای امتیازات خاصی بودند. بازرگانان  
 که پیش‌تر، طبق عقاید کنفوسیوسی<sup>۳۳</sup> طبقه کم‌اهمیتی به شمار می‌رفتند، در  
 این میان قشر ثروتمند و صاحب نفوذی شده بودند. اما دهقانان اگرچه در ظاهر  
 در درجه دوم اهمیت بودند، فشار زیادی را تحمل می‌کردند. اینان نزدیک



در چهارمین سال سلطنت میجی که امپراتور نوزده سال داشت، مشاورانش تغییرات وسیعی در دربار دادند: زنان خدمتکار قصر را اخراج کردند و تعدادی سامورایی را برای پیشخدمتی امپراتور جایگزین آنان نمودند، مسئولیت تعلیم و تربیت امپراتور نیز به دانشمندی چینی واگذار گردید. زبان آلمانی و اندیشه‌های سیاسی اروپا به او آموخته شد. شعر و ادب ژاپنی به او تعلیم داده شد. در لباس غربی پوشیدن، غذای غربی خوردن و پذیرش دیگر نموده‌های زندگی غربی، الگوی ملتش گردید و شش بار به مناطق مختلف ژاپن سفر کرد.

یوکوهاما<sup>۱</sup> به امضا رسید که به پیمان کاناکاوا<sup>۲</sup> شهرت یافت، طبق پیمان مزبور بنادر هاکوداته<sup>۳</sup> و شیمودا<sup>۴</sup> برای تجارت و تدارک ملزومات، بر روی کشتی‌های آمریکایی گشوده می‌شد، به دریانوردان آمریکایی که دچار آسیب‌دیدگی و کشتی شکستگی می‌شدند کمک‌رسانی می‌شد؛ و به یک کنسول آمریکایی اجازه اقامت در شیمودا اعطا می‌گردید<sup>۵</sup> تا مراقب امور تجاری و مسائل آمریکائیان در آنجا باشد.

اقدام آمریکا در گشودن درهای بسته ژاپن به روی خود، کشورهای دیگری را نیز که به انتظار ورود نشسته بودند، دعوت به دخول کرد و همان امتیازی را که ایالات متحده به چنگ آورده بود، نصیب‌شان ساخت. پیمانی که در آذر ماه ۱۲۳۳ شمسی (اکتبر ۱۸۵۴) با انگلستان بسته شد، بندرهای ناکازاکی<sup>۶</sup> و هاکوداته را جهت استفاده در اختیار کشتی‌های آن کشور قرار داد.<sup>۷</sup> دو ماه بعد روسیه نیز از انتظار درآمد و در بهمن ماه ۱۲۳۳ شمسی (فوریه ۱۸۵۵) طی قراردادی علاوه بر اینکه بندر ناکازاکی، شیمودا و هاکوداته بر روی کشتی‌هایش باز شد، جزایر شمال اتوروفو<sup>۸</sup> تماماً به او تعلق گرفت (اتوروفو و جزایر برکوریل در جنوب آن طبق عهدنامه مزبور در دست ژاپن ماند)، و ساخالین هم بین دو کشور، تقسیم نشده باقی ماند.<sup>۹</sup> به همین نحو قراردادهایی نیز با هلند<sup>۱۰</sup> و فرانسه<sup>۱۱</sup> بسته شد. در سال ۱۲۳۵ شمسی (۱۸۵۶ م.) تاوتونزد هریس<sup>۱۲</sup> نماینده سیاسی آمریکا، وارد شیمودا گردید و در خردادماه ۱۲۳۶ شمسی (ژوئن ۱۸۵۷ م.) پیمانی با مقامات محلی بست که طبق آن به آمریکاییان امتیاز بیشتر و اجازه اقامت دائم در شیمودا و هاکوداته داده می‌شد. همین شخص در تیرماه ۱۲۳۷ شمسی (ژوئن ۱۸۵۵ م.) یک پیمان بازرگانی بین ژاپن و ایالات متحده به امضا رساند که در آن گشودن بنادر بیشتری به روی کشتی‌های آمریکایی، و معافیت آمریکائیان از محاکمه شدن در دادگاه‌های ژاپن و انعقاد پیمانی برای حقوق گمرکی و شرایط واگذاری کشتی و سلاح به ژاپن و اعزام کارشناسان فنی توسط آمریکا، مقرر گشته بود.

دهه ۱۲۳۰ شمسی (دهه ۱۸۵۰ م.) در واقع دهه تحصیل قراردادهای تجاری از سوی کشورهای غربی بر ژاپن است که در این زمان توان هیچگونه مخالفتی را نداشت و از آنجا که آمریکا - گشاینده درهای بسته ژاپن - الگوی دیگر کشورهای غربی در عقد هر نوع قراردادی با این کشور گردید، در مجموع،

قراردادها طالب موارد مشخص و مشابهی بودند. وجوه مشترک پیمان‌های منعقد در دهه مزبور بدین قرار بود:

- ۱ - بندرهایی در سواحل ژاپن به روی کشتی‌های دول اروپایی و آمریکا گشوده می‌شد
- ۲ - نرخ بسیار پایینی از عوارض گمرکی واردات بر ژاپن تحمیل می‌گردید
- ۳ - محاکمه اتباع کشورهای طرف قرارداد در ژاپن از حدود اختیارات دادگاه‌های این کشور خارج بود.<sup>۱۳</sup>

#### اتلاف نیروهای مخالف:

قراردادهای تحمیلی دهه ۱۲۳۰ شمسی (دهه ۱۸۵۰ م.) تجار و دیپلمات‌های خارجی را به ژاپن سرازیر کرد و آتش اختلافات درونی و ریشه‌دار این کشور را شعله‌ورتر ساخت.

دربار امپراتور در کیوتو<sup>۱۴</sup> و وفادارانش، تیول‌نشین‌های ساتسوما<sup>۱۵</sup>، چوشو<sup>۱۶</sup> توسا<sup>۱۷</sup> و هیزن<sup>۱۸</sup> در مناطق دوردست غرب و جنوب غربی ژاپن و گروهی عظیم از سامورایی‌ها و بازرگانان<sup>۱۹</sup> مرفه‌الحال جبهه متحد مخالفین حکومت شگونی را تشکیل می‌دادند که وجه مشترک همه آنان طرفداری از امپراتور و مخالفت با نفوذ اجنبی بود. طرفداران امپراتور براین اعتقاد بودند که حق حکومت از آن شخص امپراتور است و این حق توسط شگون‌ها غصب گردیده است. اینها با شعار «سونو»<sup>۲۰</sup>، به معنی «امپراتور را تکریم کنید»، دست به مبارزه زدند شعاری که از معلمان وطنخواه کنفوسیوسی نیمه قرن نوزدهم همچون یوشیداشوین<sup>۲۱</sup>،

فوجیتا توکو<sup>۵۲</sup>، آیزاوا و سه شی شی سائی<sup>۵۳</sup>، و سانائی هاشیموتو<sup>۵۴</sup> و یا به تأثیر از عقاید آنان فرا گرفته شده بود و به طور ضمنی نمایانگر حکومت و مخالفت با حکومت نظامی شگون‌ها نیز بود.

تیول نشین‌های سانچودوئی<sup>۵۵</sup> (نام جمعی قلمروهای فتودالی ساتسوما، چوشو، توسوهیزن) با وجودی که عموماً از حکومت شگونی ناخرسند بودند، در ابتدا راهی برای اتحاد نمی‌یافتند. زیرا حکومت شگونی سعی کرده بود برای ممانعت از هر نوع اتحاد اشراف فتودال علیه خود، رقابت و حسادت را بین آنان شایع سازد. به طوری که ساتسوما و چوشو زمانی که رهبری جنبش طرفداری از امپراتور را به دست گرفتند، با وجود مقصدی واحد هر کدام سعی داشتند نقشه خود را به اجرا بگذارند و در صورت امکان، دیگری را از میدان به در کنند.

هجوم بی در پی بیگانگان و انعقاد قراردادهای تحمیلی و ضعف حکومت شگونی در پیشگیری از تهاجمات مزبور، اتحاد همه نیروهای مخالف را به ارمان آورد و امپراتور که در ابتدا از تأیید قراردادهای تحمیلی خودداری می‌کرد، مظهر مقاومت ملی گردید و بار دیگر دامنه مبارزه وسعت یافت و شعار «جوئی»<sup>۵۶</sup> به معنی: «اجنبی‌ها را بیرون کنید!» نیز بر شعار قبلی «امپراتور را تکریم کنید!» افزوده گشت. اگر چه اتحاد نیروهای مخالف در سال ۱۲۴۵ شمسی (۱۸۶۶ م.) صورت گرفت و هم در این زمان شعار «طرده بیگانگان» اوج گرفت، اما مبارزه عملی با بیگانگان از چند سال پیشتر آغاز گردیده بود.

#### مقابله با نفوذ بیگانه و سقوط حکومت شگونی:

ترور دولتمردان داخلی و خارجی، حمله به مهمانی‌ها و کنسولگری‌های خارجی، آتش گشودن به روی کشتی‌های بیگانه و شورش‌های محلی از جمله اقداماتی بود که مخالفین انعقاد قراردادهای نابرابر انجام می‌دادند. در اواخر سال ۱۲۳۸ شمسی (اوایل ۱۸۶۰ م.) ئی ئی نا اسوکه<sup>۵۷</sup> - نخست‌وزیر شگون - که برخلاف میل امپراتور قراردادهای سال ۱۲۳۷ شمسی (۱۸۵۸ م.) را با آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی به امضا رسانیده بود و با مخالفان به شدت تمام رفتار می‌کرد، در برابر قصر شگون، دریدو ترور گردید. همینطور هویسکن<sup>۵۸</sup> - مترجم هلندی تاونزندهریس - شبانه در یکی از خیابان‌های یدو به قتل رسید. عملیات مزبور، حکومت شگونی را دچار وحشت می‌ساخت و فشار خارجی را بر او سخت‌تر می‌کرد.

در سال ۱۲۴۱ شمسی (۱۸۶۲ م.) حکومت شگونی قدمی واپس نهاد و رسم گروگان‌گذاری<sup>۵۹</sup> اعضای خانواده اشراف فتودال را که سابقه‌ای دویست‌ساله داشت، لغو نمود. اقدامی که ضعف او را بر همگان آشکار ساخت. اما ضعف واقعی حکومت شگونی از هنگامی آشکار گردید که چوشو اقدام به تشکیل نیرویی مجهز به سلاح‌های غربی و یونیفورم، مرکب از کشاورزان، صنعتگران، و سامورایی‌ها کرد؛ چیزی که پیشتر در ژاپن سابقه نداشت. زیرا قبلاً سامورایی‌ها با شمشیر و لباس مخصوص به خود طبقه جنگاوران را تشکیل می‌دادند و تحت امر اشراف فتودال می‌جنگیدند.<sup>۶۰</sup>

در سال ۱۲۴۱ شمسی (۱۸۶۲ م.) امپراتور طی فرمانی خطاب به شگون، خواستار اخراج بیگانگان از کشور شد و تاریخ خروج را تابستان سال بعد یعنی ۴ تیر ۱۲۴۲ شمسی (۲۵ ژوئن ۱۸۶۳ م.) تعیین کرد. اما دولت شگونی به وزرای مختار و کنسول‌های ممالک مختلف در ژاپن به طور شفاهی اطمینان داد که هیچ اقدامی در این زمینه صورت نخواهد داد. تا فرا رسیدن روز موعود رویدادهایی واقع شد که نتایج ناگواری به بار آورد. عده‌ای از مخالفان درایدو و یوکوهاما دست به ترورهایی زدند، دوبار به سفارت بریتانیا حمله شد و در آبان ۱۲۴۱ شمسی (سپتامبر ۱۸۶۲ م.) محافظان بزرگ مالک ساتسوما به گناه به‌سجده نرفتن مردی انگلیسی به نام ریچارد سون<sup>۶۱</sup> در برابر ارباب‌شان او را از اسبش به زیر کشیده و کشتند و سرانجام روز موعود فرا رسید. در این روز حکومت شگونی همانگونه که قول داده بود دست به هیچگونه اقدام ایذایی علیه بیگانگان نزد. اما چوشو که در پایتختش شیمو نوسه‌کی<sup>۶۲</sup> بر تنگه‌ای به همین نام که گذرگاه کشتی‌های خارجی به درون ژاپن بود، تسلط کامل داشت،

با آتشبارهای خود به روی کشتی‌های آمریکایی، فرانسوی و هلندی آتش گشود.

حکومت شگونی ناتوان‌تر از آن بود که بتواند از چنین عملیاتی پیشگیری نماید. از این رو دولت‌های خارجی به تلافی ترورها و حملات پراکنده و آتشباری به کشتی‌ها، جداگانه دست به اقدام زدند. انگلستان به تلافی قتل ریچاردسون، کاکوشیما<sup>۶۳</sup> پایتخت ساتسوما را در تابستان ۱۲۴۲ شمسی (تابستان ۱۸۶۳ م.) گلوله باران کرد و قسمت اعظم شهر را به آتش کشید. نیروی مشترکی مرکب از ناوگان‌های آمریکا، بریتانیا، فرانسه و هلند نیز در آبان ۱۲۴۳ شمسی (سپتامبر ۱۸۶۴ م.) شیمو نوسه‌کی را گلوله باران و آتشبارهای چوشو را نابود کردند.

رهربان چوشو و ساتسوما که مناطق صنعتی آن روز ژاپن را تشکیل می‌دادند، صرف‌نظر از نفرت‌شان نسبت به بیگانگان، پس از این حملات پی به برتری چشمگیر علمی و نظامی غرب بردند و بلافاصله برای تبدیل ناتوانی خود به قدرت، دست به اقدامات لازم زدند. ساتسوما دست به سوی انگلستان دراز کرد؛ از او کشتی خرید و نیروی انسانی لازم را توسط او تربیت نمود و بدین ترتیب هسته اولیه نیروی دریایی ژاپن را پدید آورد. چوشو نیز یک نیروی زمینی «مختلط» مرکب از سامورایی‌ها، کشاورزان و صنعتگران به‌وجود آورد که لباس، اسلحه، و آموزش آنان به‌طور کامل از الگوی غرب گرفته شده بود. نیروهای مخالف حکومت شگونی به این ترتیب قدرتمند و متحد شدند و به تهاجمات خود علیه حکومت غاصب ادامه دادند.

در این ضمن به سال ۱۲۴۵ شمسی (۱۸۶۷ م.) امپراتور کومه‌ئی درگذشت و موتسوهیتو<sup>۶۴</sup> پسر وی جانشینش گردید، در ۱۸ آبان همین سال شگون توکوگاوا یوشینوبو (کیکی)<sup>۶۵</sup> از تمام قدرت خود به سود امپراتور جدید چشم‌پوشی کرد و پس از برکناری به اوساکا<sup>۶۶</sup> رفت. اما هنوز منازعه به پایان نرسیده بود و نیروهای وفادار به شگون راضی به انتقال قدرت نبودند. لذا در همین زمان نبرد سه روزه و سرنوشت‌ساز در مناطق تویا و فوشیمی<sup>۶۷</sup> بین شهرهای اوساکا و کیوتو میان نیروهای متخاصم درگرفت که منجر به شکست نیروهای شگونی گردید. در پی این شکست توکوگاوا یوشینوبو که در این هنگام در اوساکا به‌سر می‌برد، با کشتی عازم یو گردید ولی چون تمایلی به ادامه نبرد نداشت، قلعه یدو را به نیروهای دولتی واگذار و در میتو<sup>۶۸</sup> گوشه عزلت اختیار کرد نیروهای طرفدار امپراتور که بیشتر از ساتسوما و چوشو بودند به زودی پایتخت شگونی و سایر مناطق را آزاد کردند و امپراتور ۱۵ ساله را که تازه پا به سن بلوغ گذاشته بود بر مسند قدرت نشاندند.

#### عصر میجی:

با سقوط حکومت شگونی امپراتور موتسو هیتو به رسم پیشینان، نام سلطنتی میجی را برای دوران سلطنتش که چهل و پنج سال دوام آورد، برگزید. در این زمان، امپراتور جوان‌تر از آن بود، که بتواند گردش امور مملکتی را در يد قدرت خود بگیرد و لذا قدرت واقعی در دست مشاوران او بود که مردانی از سامورایی‌ها و اشراف نون پایه قلمرو فتودالی سانچودوئی در غرب ژاپن بودند. معروف‌ترین این اشخاص عبارت بودند از: سایگو<sup>۶۹</sup>، اکوبو<sup>۷۰</sup>، از ساتسوما، کیدو<sup>۷۱</sup>، اینوئویه<sup>۷۲</sup>، و اینو<sup>۷۳</sup> از چوشو، ایناگاکي<sup>۷۴</sup> از توسا، و اکوما<sup>۷۵</sup> از هیزن. اینها نیز اگر چه خود جوان بودند و حداکثر ۴۱ (سایگو) و حداقل ۲۷ (اینو) سال داشتند، اما چنانکه در عمل نشان دادند از تجربیات عملی و اجتماعی لازم برخوردار بودند و از یاری دیگران هم غافل نماندند. آنچه در برابر این دولتمردان قرار داشت: مملکتی دور مانده از کاروان پیشرفت‌های علمی و فنی، جامعه‌ای گرفتار نابرابری و امتیازات طبقاتی و امپراتوری نوجوان و بی‌تجربه بود.

#### تعلیم و تربیت امپراتور:

در سال دوم سلطنت، پایتخت به یدو که پایتخت قبلی حکومت شگونی بود، منتقل گردید. و نام جدید توکیو به معنی «پایتخت شرقی» بدان داده شد.



می‌دانستند، و

نیز تشخیص داده

بودند که خود فاقد علم و

تجربه لازم جهت اجرای

نقشه‌هایشان هستند، کمک غرب را

پذیرا شدند و شعار «طرده اجنبی» را رها کردند.

البته در نحوه برخورد با غرب و پذیرش مدنیت آن در بین

روشنفکران ژاپنی اختلاف نظر وجود داشت و افراط و تفریط بسیار به چشم می‌خورد. یکی می‌گفت باید الفبای غربی را جایگزین الفبای دشوار چینی کرد که اکنون ژاپنی‌ها استفاده می‌کنند؛ یکی ادعا می‌کرد که ژاپنی‌ها زیرک و با هوش هستند اما چون گوشت نمی‌خورند و وضع جسمی خوبی ندارند، لذا باید بیشتر شیر و گوشت بخورند تا بنیه‌ای قوی داشته باشند؛ یکی نیز ازدواج‌های بین‌المللی را پیشنهاد می‌کرد.<sup>۳۲</sup> اینها کسانی بودند که یکسره آغوش به روی فرهنگ غرب گشوده بودند و فرهنگ ملی در نزد آنان ارجی نداشت. در برابر، عده‌ای نیز بودند که هنوز بیگانگان را منفور می‌دانستند و به فرهنگ آنان به چشم دشمنی نگاه می‌کردند. با همه اینها برتری علمی و فنی غرب را انکار نمی‌نمودند و اشتیاق خود را برای دستیابی به چنان علم و فنی پنهان نمی‌داشتند.

بیشتر در اواخر دوران انزوا، ژاپنی‌ها از طریق هلندیان، که اجازه آمد و شد به تعدادی از بنادر ژاپن را داشتند، زبان هلندی را فرا گرفته و با علوم غربی تا حدودی آشنا شده و نیز عده‌ای از متخصصین غربی در استخدام ژاپنی‌ها بودند و در تأسیسات صنعتی محدودی که وجود داشت فعالیت می‌کردند. ولی در دوران میجی به مراتب بر تعداد آنها افزوده شد و روابط با غرب ابعاد وسیعی به خود گرفت. استخدام متخصصین خارجی در سطح گسترده‌ای با حقوق‌های بالا انجام پذیرفت تا صنایع خارجی در ژاپن تأسیس شود. علاوه بر نیروی دریایی که توسط بریتانیایی‌ها تأسیس گردید و نیروی زمینی که توسط آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها بنیان نهاده شد، قوانین، دادگاه‌ها، و نظام آموزشی کشور نیز به دست متخصصین آلمانی و فرانسوی و آمریکایی بازسازی و اصلاح گردید.<sup>۳۳</sup> در ضمن خارجی‌ها تنها به انتقال علم خود به ژاپنی‌ها اکتفا نمی‌کردند و با آنها در زمینه مسائل مهم مملکتی نیز مشورت می‌شد. مثلاً هنری دینسون آمریکایی که مستخدم وزارت خارجه ژاپن بود، رهنمودهای سیاسی

در چهارمین سال سلطنت که امپراتور نوزده سال داشت، مشاورانش تغییرات وسیعی در دربار دادند. یکی از دوستان<sup>۳۴</sup> سایگو مسوول امور داخلی قصر سلطنتی شد و بلافاصله زنان خدمتکار قصر را اخراج کرد و تعدادی سامورایی را برای پیشخدمتی امپراتور جایگزین آنان نمود و بدین ترتیب محیطی متین و مردانه به وجود آورد. مسوولیت تعلیم و تربیت امپراتور نیز به دانشمندی چینی<sup>۳۵</sup> واگذار گردید و با استفاده از استادان سرشناس، زبان آلمانی و اندیشه‌های سیاسی اروپا به او آموخته شد. ترجمه ژاپنی کتاب اعتماد به نفس اثر ساموئل اسمایلز<sup>۳۶</sup> برای مطالعه امپراتور در اختیارش قرار گرفت. شعر و ادب ژاپنی به او تعلیم داده شد و در طول عمرش نزدیک به یکصد هزار شعر به سبک سنتی سرود. وی در لباس غربی پوشیدن، غذای غربی خوردن، و پذیرش دیگر نموده‌های زندگی غربی الگوی ملتش گردید و کیفیت زندگی مردم از پنجمین تا هفدهمین سال سلطنتش شش بار به مناطق مختلف سرزمین ژاپن سفر کرد.<sup>۳۷</sup>

### تشکیلات مملکتی:

در نخستین سال سلطنت میجی عده‌ای از متفکران<sup>۳۸</sup> متنی را تهیه کردند که توسط امپراتور در مجلسی از بزرگان و درباریان قرائت گردید، متن مزبور به «سوگند پنج ماده‌ای»<sup>۳۹</sup> و در نزد محققین غربی به «سوگندنامه»<sup>۴۰</sup> معروفیت پیدا کرده است. امپراتور طی سوگندنامه مذکور خط مشی کلی آینده حکومت خود را ترسیم کرد و تشکیل مجالس مشورتی، وحدت ملی، آزادی اقامت و اشتغال، الغاء طبقات سنتی و تماس فرهنگی کامل با غرب را وعده داد. در پی این اقدام اعلام گردید که برای پرهیز از آشفتگی احتمالی ناشی از صدور احکام دولتی از مراجع مختلف اداره کشور به «داجوکان»<sup>۴۱</sup> یا دستگاه عالی حکومتی واگذار می‌گردد که دارای قوای سه‌گانه قانونگذاری، قضایی و اجرایی است. سازمان داجوکان بعداً در سال‌های دوم و چهارم حکومت میجی تغییراتی یافت و در اولین اقدام جهت ایجاد تغییر، متصدی شش وزارتخانه گردید که عبارت بودند از: وزارت جنگ، وزارت امور قضایی، وزارت دربار امپراتوری، وزارت خارجه، و وزارت امور عامه. همینطور موافق با مفهوم کهن ژاپنی از وحدت وظایف مذهبی و دولتی، دستگاه مذهبی «شینتو»<sup>۴۲</sup> در مقامی برتر از داجوکان قرار داده شد. در دومین اقدام جهت تجدید سازمان داجوکان، یک نظام سه نهادی<sup>۴۳</sup> درست شد و داجوکان به صورت سه نهاد مرکزی<sup>۴۴</sup>، و به چپ<sup>۴۵</sup> و راست<sup>۴۶</sup> سازمان داده شد. نهاد مرکزی عالی‌ترین نهاد به شمار می‌رفت و شامل نخست‌وزیر، وزرای چپ و راست، و اعضاء مشاور می‌گردید. امپراتور نیز شخصاً حضور می‌یافت و بر تصمیم‌گیری‌ها ریاست داشت. نهاد چپ مسائل قانونگذاری را مورد مشورت قرار می‌داد. این نهاد بعداً به سنا تبدیل شد و از سال ۱۲۵۴ شمسی (۱۸۷۵ م.) تا ۱۲۶۹ شمسی (۱۸۹۰ م.) دوام یافت. نهاد راست نیز شامل وزرا و معاونین وزارتخانه‌های مختلف می‌گردید و امور مربوط به وزارتخانه‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد.

### الگوی غرب

اداره مملکت در هفده سال نخست حکومت میجی، در دست داجوکان بود و سیاست‌های مملکتی را تشکیلات مزبور جامه عمل می‌پوشانید. رهبران میجی طی این هفده سال دست به اقداماتی زدند که چهره ژاپن را تغییر داد و راه جدیدی در برابر آینده آن گشود. این رهبران به محض استقرار امپراتور بر مسند قدرت، در سیاست‌های دوران مبارزه برای بازگشت قدرت به امپراتور تجدید نظر کردند و غرب را الگوی فعالیت‌های خویش قرار دادند. بدین ترتیب شعار «اجنبی‌ها را بیرون کنید!» جای خود را به شعارهای «تمدن و روشنگری»<sup>۴۷</sup> و «کشور را ثروتمند و ارتش را نیرومند کنید!»<sup>۴۸</sup> داد. این امر در نتیجه استنباط رهبران ژاپن از ناتوانی مملکت خود و برتری علمی و فنی غرب به‌ویژه در زمینه نظامی بود و از آنجایی که اینان می‌خواستند به ملتی قدرتمند و با احترام تبدیل شوند و «تجدد»<sup>۴۹</sup> را تنها راه وصول به هدف مزبور

امتیاز مزبور که در واقع اعتبار و آبروی اجتماعی‌شان محسوب می‌شد، محروم کرد.

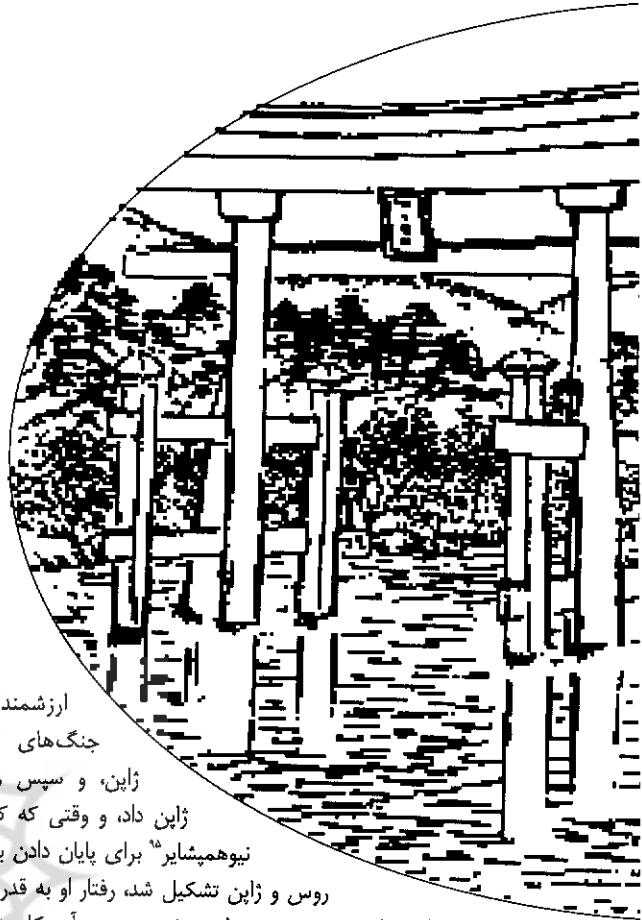
اقدامات فوق‌الذکر اعتبار اجتماعی سامورایی‌ها را خدشه‌دار ساخت و آنان را بیش از پیش دچار تنگی معیشت نمود و در نتیجه نارضایتی‌ها و در پی آن شورش‌هایی را سبب گردید.

#### شورش سامورایی‌ها:

الغای نظام‌های اجتماعی و سیاسی بازمانده از دوران حکومت نظامی شگونی که به طبقات متنفذ پیشین آسیب می‌رسانید، موجب عصیان‌هایی علیه دولت گردید، مهم‌ترین این شورش‌ها عبارت بودند از:

۱- شورش ساگا<sup>۳۳</sup>: رهبری این شورش را یکی از رهبران دولت میجی به نام اتو شیمپه‌ئی<sup>۳۴</sup> به عهده داشت. وی مدتی معاون وزیر فرهنگ و وزیر دادگستری و یکی از اعضای هیأت مشاورین مملکتی بود. اما چون با نظرش درباره حمله به کره مخالفت به عمل آمد، استعفا کرد و به ساگا بازگشت و در آنجا رهبری گروهی از سامورایی‌های ناراضی از سیاست‌های دولت را به عهده گرفت و در سال ۱۲۵۳ شمسی (۱۸۷۴ م.) شورش مسلحانه علیه دولت را پدید آورد. این شورش بلافاصله توسط نیروهای دولتی سرکوب گردید و اتو که مخفی گردیده بود، دستگیر و بلافاصله اعدام شد. اما چند سال بعد در مجمع عمومی که در آن قانون اساسی میجی اعلام می‌گردید، وی از اتهامات وارده میرا شناخته شد.

۲- شورش ساتسوما<sup>۳۵</sup>: رهبری این شورش را نیز یکی از مشاوران عالی امپراتور و متنفذین دستگاه رهبری دولت به نام سایگو به عهده داشت. وی نیز در جریان حمله به کره نظر مثبت داشت ولی چون با مخالفت دوستانش در حلقه رهبری دولت مواجه شد، از مقامش کناره‌گیری کرد و به کاگوشیما رفت و در آنجا مدرسه‌ای بنا نهاد. سامورایی‌های ناراضی از سیاست‌های دولت



ارزشمندی در جنگ‌های چین و ژاپن، و سپس روس و ژاپن داد، و وقتی که کنفرانس نیوهامپشایر<sup>۳۶</sup> برای پایان دادن به جنگ روس و ژاپن تشکیل شد، رفتار او به قدری مانند ژاپنی‌ها بود که تنودور روزولت - رئیس جمهور آمریکا - به شوخی از او پرسید: «تو آمریکایی هستی یا ژاپنی؟!»<sup>۳۷</sup>

در عین حال که ژاپن به استخدام متخصصین خارجی و گرفتن وام از خارج می‌پرداخت از اعزام دانشجو به غرب نیز غافل نبود. خود رهبران میجی هم در رأس هیأت‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی از ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی دیدار می‌کردند و با تجربه بیشتری به مملکت خود بازمی‌گشتند. این اقدامات در حقیقت به پیروی از ماده پنجم سوگندنامه امپراتور که جست‌وجوی دانش و برقراری روابط با سایر کشورهای جهان را نوید می‌داد، صورت می‌گرفت.

#### الغای نظام‌های اجتماعی و سیاسی پیشین:

در سوگندنامه امپراتور درباره لغو رسومات ناپسند گذشته (ماده چهارم) و الغای طبقات و ایجاد وحدت (ماده دوم) نیز سخن به میان آمده بود و با وجودی که بسیاری از رهبران دولت میجی از سامورایی‌ها یا اشراف فتودال بودند، چون نظام طبقاتی فتودالی را مانی در راه تجدد می‌دانستند، اقدام به لغو آن نمودند. اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت عبارت بودند از:

۱- الغای فتودالیسم طبق فرمان سال ۱۲۵۰ شمسی (۱۸۷۱ م.)، در نتیجه این اقدام قلمروهای فتودال‌نشین تحت اختیار مستقیم دولت درآمد و دولت از سوی خود حکمرانی برای اداره قلمروهای مزبور منصوب نمود.

۲- تشکیل نیروی دریایی و زمینی و به اجرا گذاردن قانون نظام وظیفه عمومی از سال ۱۲۵۱ شمسی (۱۸۷۲ م.)، با اجرای این قانون تمام طبقات اجتماعی موظف به انجام خدمت نظام وظیفه شدند و جنگاوری از اختصاص طبقه سامورایی خارج گردید.

۳- تحریم حمل شمشیر توسط سامورایی‌ها و قطع مستمری آنان. این اقدام سامورایی‌ها را که قبل از این مجاز به حمل دو شمشیر با خود بودند، از

در سال دوم سلطنت مونتسودهیئو،

پایتخت به یدو که پایتخت قبلی حکومت

شگونی بود، منتقل گردید و نام جدید توکیو

به معنی «پایتخت شرقی»

بدان داده شد

اطراف او جمع شدند و او در مقام رهبری آنان شورش مسلحانه برای سرنگونی دولت را سازماندهی کرد. شورشیان که بیش از بیست هزار سامورایی بودند، تصمیم داشتند به پایتخت آمده و با سرنگون کردن دولت، حکومت دلخواه خود را به روی کار آورند. این شورش که مهیب‌ترین شورش سامورایی بود از بهمن ۱۲۵۵ شمسی تا آذر ۱۲۵۶ شمسی (از فوریه تا نوامبر ۱۸۷۷ م.) طول کشید ولی نتوانست از مرزهای جزیره کیوشو، فراتر رود و سرانجام توسط نیروهای دولتی به کاگوشیما عقب رانده شده و سرکوب گردید. سایگو هنگامی که در محاصره سربازان دولتی بود خودکشی کرد یا به قولی به یکی از نزدیکترین دوستانش گفت که گردن او را بزنند. سایگو نیز پس از گذشت چند سال از مرگش در مجمع عمومی اعلام قانون اساسی میجی از اتهامات وارده میرا شناخته شد.

#### مبارزه برای قانون اساسی و مجلس:

در سال ۱۲۵۲ شمسی (۱۸۷۳ م.) چهار سال قبل از شورش ساتسوما، حادثه‌ای رخ داد که موجب شکاف بین رهبران دولت میجی گردید. حادثه

مزبور از این قرار بود که کشور کره به درخواست ژاپن مبنی بر ایجاد روابط دوستانه بین دو کشور جواب رد داده و هیأت اعزامی ژاپن را نپذیرفت. از این رو در دولت ژاپن عده‌ای به رهبری سایگو طرحی برای حمله به کره و تنبیه آن کشور ارائه کردند که پذیرفته شد. اما در همین زمان هیأت ایکوارا<sup>۱۱</sup> از سفر آمریکا و اروپا بازگشت، شخص ایکوارا که عضو برجسته مشاورین مملکتی بود با طرح مزبور مخالفت نمود. در نتیجه عده‌ای از جمله سایگو، اتو، ایتاگاکا، و گوتو<sup>۱۲</sup> استعفا کردند و هر یک راهی را برای مبارزه با دولت در پیش گرفتند. سایگو و اتو چنانکه گذشت سر به شورش برداشتند و سرانجام کشته شدند. اما ایتاگاکا و گوتو به مبارزه سیاسی پرداختند و با سخنرانی و نوشتن مقاله در مطبوعات از دولت، تشکیل مجلس و تهیه قانون اساسی را خواستار گشتند.

#### تحریر قانون اساسی:

مبارزات سیاسی و شورش‌های محلی سرانجام به نتیجه مثبتی رسید و در بیستم مهرماه ۱۲۶۰ شمسی (۱۲ اکتبر ۱۸۸۱ م.) امپراتور اعلام کرد که در سال ۱۲۶۷ شمسی (۱۸۸۹ م.) پارلمان دعوت به تشکیل خواهد شد و در عین حال به ای‌تو دستور داد که مقدمات کار را فراهم آورد. ای‌تو در اوایل سال بعد با گروهی از مشاورینش به اروپا عزیمت کرد تا با متخصصین فن دیدار و مشورت کند. وی از کشورهای انگلستان، بلژیک، آلمان و اتریش بازدید به عمل آورد و طی دو سال اقامت در اروپا با دولتمردان و متفکرانی مانند بیسمارک<sup>۱۳</sup>، اشنین<sup>۱۴</sup>، گنیست<sup>۱۵</sup> و موسه<sup>۱۶</sup> ملاقات و مذاکره نمود و پای درس‌شان درباره قوانین اساسی آلمان و پروس که می‌توانستند الگوی شایسته‌ای برای ژاپن باشند، نشست و یادداشت‌های فراوانی جمع‌آوری نمود. ای‌تو و همراهانش در شهریور ماه ۱۲۶۲ شمسی (از اوت ۱۸۸۳ م.) به ژاپن بازگشتند و پس از مدتی با کمک و مشاورت هرمان روسلر<sup>۱۷</sup>، استاد آلمانی حقوق در دانشگاه سلطنتی توکیو به تحریر نهایی قانون اساسی پرداختند. امپراتور قانون اساسی مزبور را که به قانون اساسی میجی<sup>۱۸</sup> معروف است در تاریخ بیست و دوم بهمن ۱۲۶۷ شمسی (۱۱ فوریه ۱۸۸۹ م.) به عنوان هدیه‌ای از جانب خود به ملت اعطا نمود. در همین حال سال ژاپن صاحب پارلمانی<sup>۱۹</sup> با دو مجلس گردید.

#### نظام هیأت وزرای:

در هجدهمین سال حکومت میجی در آذر ماه سال ۱۲۶۴ شمسی (دسامبر یعنی حدود سه سال قبل از اعلام قانون اساسی میجی، نظام هیأت وزرای جایگزین داجوکان گردید و هیأت وزراء عالی‌ترین نهاد اداره‌کننده کشور شد. در نظام جدید، پروس الگو قرار گرفته بود و هیأت وزراء از نخست‌وزیر که اختیارات وسیعی داشت و سایر وزراء که هر یک در رأس وزارتخانه‌ای قرار داشتند، تشکیل می‌گردید. اولین هیأت وزراء به ریاست ای‌تو در سال ۱۲۶۴ شمسی تشکیل گردید. انتخاب نخست‌وزیر تا سال ۱۳۱۶ شمسی (۱۹۳۷ م.) توسط گنرو<sup>۲۰</sup> انجام می‌گرفت. گنرو که

مرکز از دولتمردان متنفذ و پرسابقه می‌شد، موجودیت و وظایفش در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده بود. بعد از این تاریخ انتخاب نخست‌وزیر به مجمعی به نام جوشین کائیگی<sup>۲۱</sup> به ریاست مه‌ردار سلطنتی<sup>۲۲</sup> واگذار گردید که مرکز از رئیس هیأت مشاورین سلطنتی و نخست‌وزیران پیشین می‌شد. طبق قانون اساسی جدید ژاپن، که بعد از جنگ جهانی دوم اعلام و به اجرا گذاشته شد، نخست‌وزیر توسط پارلمان منصوب می‌گردد و هیأت وزراء در برابر پارلمان مسؤولیت مشترک دارند. در حالی که طبق قانون اساسی میجی هیأت وزراء، خارج از نفوذ پارلمان بود و مسؤولیتی در قبال آن نداشت.

#### ظهور ژاپن به عنوان یک قدرت جدید:

دهه ۱۲۷۰ شمسی (۱۸۹۰ م.) دهه ظهور ژاپن در صحنه قدرت‌های جهانی است. چند سال پیشتر در آستانه دهه مزبور ژاپن به فکر ایجاد یک حلقه دفاعی به گرد خود افتاد و اقدام به تصرف جزایر استراتژیک اطرافش نمود. در سال ۱۲۵۴ شمسی (۱۸۷۵ م.) مجمع‌الجزایر بونین<sup>۲۳</sup> در فاصله پانصد میلی جنوب خلیج توکیو به تصرف ژاپن درآمد و در همان سال بر سر تصاحب جزایر شمال غربی اقیانوس آرام به توافق با روسیه دست یافت. طبق توافق مزبور، ژاپن از ادعای خود نسبت به قسمت جنوبی جزیره بزرگ ساخالین چشم پوشید و در مقابل، روسیه از ادعایش نسبت به جزایر جنوبی کوریل صرف‌نظر کرد. در سال ۱۲۵۸ شمسی (۱۸۷۹ م.) ژاپن جزیره اکیناوا<sup>۲۴</sup> در جنوب آن کشور را که مورد ادعای روسیه و چین هر دو بود، ضمیمه خاک خود کرد.

#### جنگ ژاپن با چین:

در دوران انزوای ژاپن، کره نیز چنین سیاستی را در پیش گرفته بود. پس از استقرار میجی در مسند قدرت، ژاپن بارها تمایل خود را به برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با آن کشور اعلام داشت، ولی پاسخ رد شنیده بود. سرانجام در سال ۱۲۵۵ شمسی (۱۸۷۶ م.) خواسته ژاپن تحقق پیدا کرد و روابط دو کشور آغاز گردید و روز به روز بر نفوذ و دخالت ژاپن در امور کره افزوده شد تا جایی که چین از نفوذ روزافزون ژاپن در کره احساس خطر کرد و برخورد منافع این دو در کره آنان را به جنگ با یکدیگر کشانید. جنگ به سود ژاپن خاتمه پذیرفت و طبق پیمان شیمونوسه‌کی<sup>۲۵</sup> که در فروردین ۱۲۷۴ شمسی (آوریل ۱۸۹۵ م.) یک سال پس از آغاز جنگ، منعقد گردید، به کشور کره استقلال داده شد و شبه جزیره لیاوتونگ<sup>۲۶</sup>، و جزیره تایوان<sup>۲۷</sup>، تحت تسلط ژاپن قرار گرفت.

این اقدام ژاپن با شگفتی و اعتراض مشترک کشورهای روسیه، آلمان و فرانسه مواجه گردید و ژاپن ناگزیر شد شبه جزیره لیاوتونگ در جنوب متجوری را به چین بازگرداند. ژاپن با وجودی که در این نبرد به پیروزی چشمگیری نائل آمد، متوجه این نکته گردید که باید هر چه بیشتر به تقویت نیروهای نظامی خویش بپردازد.



با شکست چین از ژاپن، ظاهراً کره استقلال خود را به دست آورد ولی در حقیقت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی ژاپن قرار گرفت. روسیه در این زمان سعی می‌کرد بر مناطق شمال شرقی چین سلطه یابد و به همین جهت به منچوری توجهی خاص داشت. این توجه ناشی از اهمیت استراتژیکی منچوری بود، زیرا مستقیم‌ترین راهی که منطقه دریایچه بابیکال را به بندر ولادی وستک<sup>۱۱</sup> وصل می‌کرد از منچوری

می‌گذشت. بنابراین روس‌ها به هر نحوی که بود سعی می‌کردند توافق چین را برای احداث خط آهن در این منطقه جلب نمایند. در سال ۱۲۷۷ شمسی (۱۸۹۸ م.) روسیه توانست پورت آرتور<sup>۱۲</sup> و دماغه لیاوتونگ را از چین به اجاره بگیرد و به دنبال آن خط آهنی از هاربین<sup>۱۳</sup> به پورت آرتور از طریق موکدن<sup>۱۴</sup> و بندر دایرن یا دالتی<sup>۱۵</sup> کشید، و بدین ترتیب بر منطقه مزبور تسلط یافت. این اقدامات و در کنار آن علاقه روسیه به دست یافتن بر کره، ژاپن را به امضای پیمان اتحادی با انگلستان که رقیب روسیه به شمار می‌آمد در سال ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۲ م.) واداشت. در این پیمان، دوبار تجدیدنظر به عمل آمد و اعتبار آن ۲۰ سال دوام آورد. طبق پیمان مزبور، انگلستان منافع ژاپن در کره را به رسمیت شناخت. همچنین انگلستان قبول نمود که در صورت وقوع جنگ بین روسیه و ژاپن بی‌طرف بماند و اگر کشور دیگری از جمله فرانسه به طرفداری از روسیه در جنگ دخالت کرد، انگلستان هم به پشتیبانی از ژاپن وارد جنگ با روسیه گردد. متقابلاً ژاپن نیز تسلط انگلستان بر دره یانگ تسه در خاک چین را پذیرفت.

چندی بعد مذاکرات رفع مشکلات فی مابین روسیه و ژاپن با شکست مواجه شد و در بهمن ماه ۱۲۸۲ شمسی (فوریه ۱۹۰۴ م.) ژاپن به ناوگان روسیه در پورت آرتور حمله کرد و صدمات سنگینی به آن وارد آورد. این حمله، آغاز جنگی بود که دو سال طول کشید و برای نخستین بار در تاریخ معاصر، یک کشور آسیایی بر قدرتی اروپایی فائق آمد. در خلال جنگ، روس‌ها از کره و منچوری رانده شدند و پورت آرتور سقوط کرد و سرانجام بامیانجیگری رئیس جمهور آمریکا، تئودور روزولت، که از توسعه نفوذ ژاپن در شرق آسیا نگران بود پیمان صلح بین دو کشور به امضاء رسید. طبق پیمان پورت اسموتس (نیوهامپشایر)<sup>۱۶</sup> که در ۱۴ شهریور ۱۲۸۴ شمسی (۵ دسامبر ۱۹۰۵ م.) منعقدگردید، نیمه جنوبی ساخالین و پورت آرتور با نواحی مجاورش به ژاپن واگذار گشت؛ کره تحت‌الحمایه ژاپن شد و روسیه از دخالت در آنجا منع گردید؛ و ژاپن در منچوری، که متعلق به چین باقی ماند، از امتیازات خاصی برخوردار شد. مدتی بعد در سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۱۰ م.) ژاپن کره را نیز ضمیمه خاک خود ساخت که تا سال ۱۳۲۴ شمسی (۱۹۴۵ م.) جزء خاک آن کشور باقی ماند.

ضمیمه‌سازی کره از جمله آخرین اقدامات نظامی دوران میجی بود. دورانی که با ضعف و ناتوانی آغاز شد و با قدرت و توانایی به انجام رسید. رهبران میجی علاوه بر فعالیت‌های نظامی، تجدیدنظر در قراردادهای تحمیلی و نابرابر اواخر دوران حکومت شگونوی را نیز وجهه همت خود قرار داده بودند. لذا توانستند در سال ۱۲۷۳ شمسی (۱۸۹۴ م.) کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی را لغو و از سال ۱۲۷۸ شمسی (۱۸۹۹ م.) به مورد اجرا بگذارند و در سال ۱۲۹۰ شمسی (۱۹۱۱ م.) نیز تعیین عوارض گمرکی ورود کالا را تماماً در اختیار خود بگیرند. امپراتور میجی در سال ۱۲۹۱ شمسی (۱۹۱۲ م.) درگذشت و پسرش یوشی هیتو<sup>۱۷</sup> با نام سلطنتی تائیشو<sup>۱۸</sup> به معنی پارسایی بزرگ و

## اداره مملکت در هفده سال نخست

حکومت میجی، در دست «داجوکان» ،

دستگاه عالی حکومت (متشکل از قوای سه گانه) بود

و سیاست‌های مملکتی را تشکیلات مزبور

جامه عمل می‌پوشانید. رهبران میجی طی این

هفده سال دست به اقداماتی زدند که چهره ژاپن را

تغییر داد و راه جدیدی

در برابر آینده آن گشود

ژاپن و جنگ جهانی اول:

در جنگ جهانی اول ژاپن به طرفداری از متفقین وارد جنگ شد. اما نیرویی به جبهه‌های نبرد در اروپا اعزام نکرد و تمام عملیات نظامی‌اش را محدود به اقیانوس آرام و چین نمود و توانست نیروهای آلمان را در شبه جزیره شانتونگ<sup>۱۹</sup> در چین و جزایر اقیانوس آرام در شمال خط استوا شکست دهد و جزایر ماریان و کارولین و مارشال را به تصرف خود درآورد. در طول دو دهه گذشته ژاپن و آلمان درگیر رقابت‌های شدیدی در شرق آسیا بودند. متصرفات مزبور در معاهده ورسای مورد تأیید قرار گرفت. جنگ جهانی اول به‌ویژه از نظر اقتصادی برای ژاپن فرصتی طلایی به شمار می‌رفت، زیرا توانست در خلال سال‌های جنگ بازارهای جدیدی در آسیا، آفریقا، استرالیا و دریاهای جنوب به دست آورد و بر تولیداتش بیفزاید.

### کنفرانس واشنگتن:

با وجودی که جنگ خاتمه پیدا کرده بود، ژاپن به عملیات نظامی در سیبری، کره و چین و تقویت نیروی دریایی‌اش ادامه می‌داد. این امر ضمن افزایش بحران در شرق دور، در میان قدرت‌های بزرگ نیز ایجاد نگرانی کرده بود. از این‌رو به دعوت ایالات متحده در سال ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۲-۱۹۲۱ م.) کنفرانسی با شرکت هفت کشور غربی و ژاپن و چین در واشنگتن تشکیل گردید و تصمیماتی در مورد همه کشورهای شرکت‌کننده گرفته شد. از تصمیمات این کنفرانس آنچه که مربوط به ژاپن می‌شد بدین شرح است:

- ۱- لغو اتحاد ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۲ م.) ژاپن و انگلستان و جایگزین کردن پیمان اتحاد فرانسه، انگلستان، ژاپن، و آمریکا<sup>۲۰</sup> به جای آن.
  - ۲- رعایت استقلال و تمامیت ارضی چین.
  - ۳- عقب‌نشینی از شانتونگ و سیبری و ساخالین شمالی.
  - ۴- تحدید تناژ کشتی‌های جنگی و کاهش تسلیحات دریایی.
- در ژاپن از نتایج کنفرانس واشنگتن ابراز رضایت نمی‌شد؛ و مخصوصاً نظامیان نسبت به آن خشمگین بودند. این نارضایتی و خشم در سال ۱۳۰۳ شمسی (۱۹۲۴ م.) با تصویب قانون تحدید ورود شرقی<sup>۲۱</sup> توسط کنگره ایالات متحده آمریکا، افزایش پیدا کرد. طبق این قانون به شرقی‌ها از جمله ژاپنی‌ها کمتر اجازه مهاجرت به آمریکا داده می‌شد.
- در این هنگام به سال ۱۳۰۵ شمسی (۱۹۲۶ م.) هیروهیتو پسر امپراتور که از پنج سال پیش جانشین پدرش شده بود، با مرگ پدر، داورن سلطنت خود را با نام سلطنتی شووا<sup>۲۲</sup> آغاز می‌کرد.

### به قدرت رسیدن رهبران نظامی:

نارضایتی از رهبری ملی که فشار سیاسی و اقتصادی کشورهای غربی، ناشی از ضعف و زبونی آن پنداشته می‌شد؛ به نظامیان امکان داد تا قدرت را به دست گیرند. رهبران نظامی راه‌حل مشکلات کشور را که مهم‌ترین آنها: کمبود مواد خام و نیاز به منابع آن و نیز دستیابی به بازارهای فروش بود، در توسعه ارضی ژاپن در چین و مناطق منچوری می‌دانستند. در این هنگام حادثه قتل یک افسر ژاپنی در موکدن و انفجار قسمتی از خطوط آهن آنجا روابط مقامات ژاپنی و چینی را تیره کرد. ارتش ژاپن برخلاف نظر دولت به چین حمله کرد و سراسر منچوری را به تصرف خود درآورد و یک دولت دست‌نشانده به نام منچوکوئو مرکب از سه ایالت شمال شرقی چین تأسیس و استقلالش را





- ۵- جزایر متعلق به ژاپن در اقیانوس آرام (مرکزی) به دست آمریکا افتاد.
  - ۶- جزایر اکیناوا و بونین در مالکیت ژاپن ماند اما توسط نیروهای آمریکایی اشغال گردید. بعداً بونین به ژاپن بازگردانده شد ولی اکیناوا خیر.
  - ۷- ساخالین جنوبی و جزایر کوریل تحت تسلط شوروی قرار گرفت.
  - ۸- ژاپن کاملاً خلع سلاح شد.
  - ۹- رژیم نظامی ژاپن سرنگون و مشروطه سلطنتی مستقر گردید.
- قانون اساسی جدید در آبان ۱۳۲۵ به تصویب رسید و در اردیبهشت ۱۳۲۶ (مه ۱۹۴۷) به اجرا گذاشته شد. امپراتور طبق قانون اساسی در رأس مملکت قرار دارد.

#### منابع فارسی درباره ژاپن:

- اسکات، مرتون: تاریخ و فرهنگ ژاپن، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- وآن، ژوزفین: سرزمین و مردم ژاپن، ترجمه محمود کیانوش، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
- کان، هرمان: ژاپن، ترجمه سرویش حبیبی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸.

#### پی نوشت‌ها:

۱. ژاپن به خط چینی بدینگونه 日本 نوشته می‌شود (日本 به معنی خورشید و 本 به معنی ریشه و اصل است) و از نظر لغوی «خاستگاه خورشید» یا خور آسان (خراسان) معنی می‌دهد. این کلمه در زبان چینی «جیه پن» و در زبان ژاپنی «نی‌هن» یا «نی‌پن» تلفظ می‌شود.

۲. Hokkaido
۳. Honshu
۴. Shikoku
۵. Kyushu

۶. وسعت مجمع‌الجزایر ژاپن ۳۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع است.

۷. Tsushima str.
۸. Soya Str.
۹. Kuril Islands

۱۰. Ainu اینها نخستین ساکنان ژاپن هستند که پیش از ورود نژاد مغولی در جزیره هوکایدو زندگی می‌کردند. اصل آنها معلوم نیست اما به قفقازها شبیه هستند.

۱۱. Mongoloid
۱۲. Shintoism
۱۳. Buddhism
۱۴. Confucianism

۱۵. مسیحیت در نیمه قرن شانزدهم با دربارتوردان پرتغالی وارد ژاپن گردید.

۱۶. Hirohito

۱۷. این سه سلسله شگونی عبارت بودند از: کاماکورا (۱۱۹۲-۱۳۳۳)، آشیکاگا (۱۳۳۸-۱۵۶۸)، و توکوگاوا (۱۶۰۳-۱۸۶۷).

۱۸. Shogun

۱۹. Tokugawa Shogunate

۲۰. Francis Xavier (۱۵۰۶-۱۵۵۲) وی از مبلغان یسوعی (از فرق مسیحیت کاتولیک) است که توسط جان سوم شاه پرتغال برای تبلیغ به شرق اعزام شد. در سال ۱۵۴۹ م. وارد ژاپن گردید و دو سال در آنجا ماند. وی در راه بازگشت از ژاپن به گوا (Goa) در جزیره کوچکی در نزدیکی ماکائو (Macao) درگذشت.

۲۱. Nagasaki در جنوب غربی ژاپن.

۲۲. "Rever the Emperor! Expel the barbarians!"

۲۳. «کسی که چیزی تولید نمی‌کند، انگل و طفیلی جامعه است.»
۲۴. در این زمان کومه‌ئی Komei (۱۸۶۷-۱۸۲۱) امپراتور ژاپن بود. وی در سال ۱۸۴۶ به مقام امپراتوری رسید و در سال ۱۸۶۷ درگذشت. پایتختش در کیوتو Kyoto بود ولی در برابر حکومت شگونی اقتداری نداشت. با بیرون آمدن ژاپن از انزوی دو بیست ساله طرفدارانش جان گرفتند و در نتیجه، قدرت او رو به ازدیاد نهاد.

اعلام نمود. به دنبال آن کشورهای جهان، واکنش نشان دادند و عمل ژاپن را تقبیح کردند، جامعه ملل نیز اقدام ژاپن را محکوم کرد. ولی ژاپن در فروردین ۱۳۱۲ شمسی (۱۹۳۳ م.) خروج خود را از جامعه ملل اعلام کرد و به توسعه ارضی خود ادامه داد و چهار سال بعد به چین و در آستانه جنگ جهانی دوم به هند و چین و فرانسه حمله کرد. ایتالیا و آلمان برخلاف دیگر کشورهای جهان دولت دست‌نشانده ژاپن در منچوری را به رسمیت شناختند و ژاپن با آنها دست اتحاد داد. ژاپن از سال ۱۹۳۶ در ظاهر به خاطر مخالفت با کمونیسم طی پیمان ضدکمونیستی کمینترن با آلمان و ایتالیا متحد شده بود اما در اصل از انگلستان به خاطر همدستی با ایالات متحده علیه ژاپن ناراضی بود و به همین جهت در آغاز جنگ جهانی دوم به طور ناگهانی به پایگاه‌های آمریکا در پزل هاربور هاوایی و جاهای دیگر در اقیانوس آرام حمله کرد و توانست نواحی وسیعی را در شرق و جنوب شرقی آسیا تصرف کند. حمله ژاپن به پایگاه‌های آمریکا در اقیانوس آرام از جمله عواملی بود که پای آمریکا را به جنگ جهانی دوم باز کرد و سرانجام نیز آمریکا با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، مهر پایان بر جنگ جهانی دوم زد. کشور ژاپن بلافاصله پس از خاتمه جنگ به اشغال نیروهای آمریکایی درآمد و ژنرال مک آرتور اداره آن را به عهده گرفت. ژاپن در اثر جنگ جهانی دوم تمام مناطقی را که پیش از جنگ به تصرف خود درآورده بود از دست داد:

- ۱- تمام متصرفات ماوراء بحار از او گرفته شد.
- ۲- منچوری به چین بازگردانده شد.
- ۳- تایوان (فورمز) و جزایر پسکادر را لشکریان چیانکایچک متصرف شدند.
- ۴- شبه جزیره کره توسط نیروهای شوروی و آمریکا اشغال شد و به کره شمالی و جنوبی تقسیم گردید.



نمای بیرونی تالار بزرگ معبد توجی در کیوتو

در دوره میجی علاوه بر نیروی دریایی که توسط بریتانیایی‌ها تأسیس گردید و نیروی زمینی که توسط آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها بنیان نهاده شد، قوانین، دانشگاه‌ها، و نظام آموزشی کشور نیز به دست متخصصین آلمانی و فرانسوی و آمریکایی بازسازی و اصلاح گردید

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۲۸. Etorofu

ژاپن منعقد نمود.

۳۹. این قرارداد توسط آدمیرال پوتیاتین با ژاپن بسته شد.  
 ۴۰. قرارداد با هلند در متنی ۱۸۵۵ و در متنی دیگر ۱۸۵۷ آورده شده است.  
 ۴۱. قرارداد با فرانسه در سال ۱۸۵۸ منعقد شده است.  
 ۴۲. Townsend Harris (۱۸۰۴-۱۸۷۸) سیاستمدار آمریکایی، ابتدا به عنوان کنسول و سپس وزیرمختار آمریکا در ژاپن انجام وظیفه کرد و در سال ۱۸۶۱ از مقامش کناره‌گیری نمود.  
 ۴۳. Capitulation به این معنی که اتباع کشورهای غربی در صورت ارتکاب جرم در ژاپن بر طبق قوانین ممالک خودشان و توسط کنسولگری کشور متبوع‌شان در ژاپن محاکمه می‌شدند و نه بر طبق قوانین ژاپن و در دادگاه‌های آن کشور.  
 ۴۴. Kyoto  
 ۴۵. Satsuma یکی از چهار خاندان بزرگ ژاپنی است و نامش را از موطن اولیه‌اش در جنوب غرب جزیره کیوشو گرفته است.  
 ۴۶. Choshu در جنوب غرب جزیره هونشو.

#### ۴۷. Tosa

#### ۴۸. Hizen

۴۹. بازرگانان در این زمان قشر متنفذی را تشکیل می‌دادند و اقشار دیگر مردم از جمله سامورایی‌ها غالباً به آنان مقروض بودند. بازرگانان اوساکا Osaka در این حوادث نقش عمده‌ای داشتند و به مبارزان کمک مالی می‌دادند.

#### ۵۰. Sonno

#### ۵۱. Yoshida Shoin (۱۸۳۰-۱۸۵۹).

پس از او پسرش موتسوهیتو «میجی» امپراتور شد.

۲۵. Matthew Calbraith Perry (۱۷۹۴-۱۸۵۸) از افسران نیروی دریایی آمریکا.

#### ۲۶. Yedo Bay

۲۷. در این هنگام میلاردفیلمور (۱۸۰۰-۱۸۷۴) رئیس جمهور آمریکا بود. وی سیزدهمین رئیس جمهور آمریکا است.

۲۸. T'ai P'ing عنوانی بود که هونگ شیوچوان از مخالفان سلسله منچو برای حکومت خود برگزید. شورش او علیه حکومت منچوها در چین از ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۴ به طول انجامید و طی آن نزدیک بیست میلیون نفر کشته شدند. این شورش به کمک دول اروپایی سرکوب گردید.

۲۹. Okinawa جزیره‌ای در جنوب غربی مجمع‌الجزایر ژاپن.

۳۰. Daimyo از نظر لغوی به معنی «نام‌های بزرگ» است و در اصطلاح به «اشراف فئودال» گفته می‌شود، که هریک گروهی سامورایی تحت فرمان دارند.

۳۱. Yokohama بندری در جنوب توکیوی امروزی.

#### ۳۲. Treaty of Kanagawa

۳۳. Hakodate بندری در ساحل تنگه تسوگارو در جنوب جزیره هوکایدو در

شمال ژاپن.

۳۴. Shimoda بندری در جنوب غربی توکیوی امروزی.

۳۵. این بند قرارداد تا سال ۱۸۵۶ میلادی که تاونزدهریس به عنوان نخستین نماینده سیاسی ایالات متحده وارد شیمودا گردید، به اجرا درنیامد.

۳۶. Nagasaki بندری در منتهی‌الیه جنوب غربی ژاپن.

۳۷. قرارداد مزبور را آدمیرال استرلینگ از نیروی دریایی شاهنشاهی انگلستان با

۸۹. Vin  
 ۹۰. Civilization and enlightenment  
 ۹۱. «Enrich the country, Strengthen the Army»  
 ۹۲. Modernization  
 ۹۳. Shiegeru yoshida, Japan's decisive century  
 ۱۸۶۷-۱۹۶۷, (New youk: Frenderick A. Praegar, Inc. Publishers, ۱۹۶۷) p. ۱۴.  
 ۹۴. لازم به تذکر است که در ابتدا ژاپن از نظر تجاری و اقتصادی اهمیت چندانی نداشت و کشوری مانند آمریکا تنها از آن به عنوان پایگاهی برای تجارت با چین می‌خواست استفاده بکند. بعدها که پای دول دیگر نیز به ژاپن باز شد رقابت میان آنان و سنجش فرصت و موقعیت توسط ژاپنی‌ها استقلال آن کشور را حفظ نمود.  
 ۹۵. New Hampshire در ایالات متحده آمریکا.  
 ۹۶. شینگه رویوشیدا، پیشین، ص ۱۶.  
 ۹۷. Saga Rebellion ساگا قلمروی است در ایالات هیزن واقع در شمال غربی جزیره کیوشو.  
 ۹۸. Eto Shimpei (۱۸۳۴-۱۸۷۴)  
 ۹۹. Seinan War or Satsuma Rebellion  
 ۱۰۰. Kagoshima بندری در جنوب جزیره کیوشو.  
 ۱۰۱. Richard Storry, A History of Modern Japan, (Penguin Books, ۱۹۶۸) p. ۱۱۱.  
 ۱۰۲. Iwakura Mission اعضای مهم این هیأت ایکوارا، اینوه، آکوبو، و کینو بودند که طی مأموریتشان از سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳ از کشورهای آمریکا و اروپا دیدار کردند.  
 ۱۰۳. Goto Shojiro (۱۸۳۸-۱۸۹۷).  
 ۱۰۴. Bismarck (۱۸۱۵-۱۸۹۸) دولت‌مرد پروس و اولین صدر اعظم امپراتوری آلمان.  
 ۱۰۵. L.V. Stein (۱۸۱۵-۱۸۹۰) دانشمند آلمانی و استاد علوم سیاسی در دانشگاه وین از ۱۸۵۵ تا ۱۸۸۵.  
 ۱۰۶. R.V. Cnist (۱۸۱۶-۱۸۹۵) استاد علوم سیاسی دانشگاه برلین و عضو رایش‌تاک آلمان.  
 ۱۰۷. Mosse (?-۱۸۴۶).  
 ۱۰۸. Hermann Roesler  
 ۱۰۹. Meigi Constitution  
 ۱۱۰. National Diet  
 ۱۱۱. Genro  
 ۱۱۲. Jushin Kaigi  
 ۱۱۳. L.Ord of Keeper of the Privy seal.  
 ۱۱۴. Bonin islands  
 ۱۱۵. Ryukyu (Okinawa) Islands  
 ۱۱۶. The Treaty of Kanagwa  
 ۱۱۷. The Treaty of Shimonoseki  
 ۱۱۸. Liaotung Peniasula  
 ۱۱۹. Taiwan (Formosa)  
 ۱۲۰. Viladvostock  
 ۱۲۱. Port Arthur  
 ۱۲۲. Harbin  
 ۱۲۳. Mukden  
 ۱۲۴. Dairen or Dalny  
 ۱۲۵. The Treaty of Portsmouth (New Hampshire)  
 ۱۲۶. Yoshihito از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۶ سلطنت کرد.  
 ۱۲۷. Taisho  
 ۱۲۸. Shantung Peninsula  
 ۱۲۹. Four - Power Treaty  
 ۱۳۰. Oriental Exclusion Act.  
 ۱۳۱. Showa به معنی صلح درخشان

۵۲. Fujita Toko  
 ۵۳. Aizawa Seishisai  
 ۵۴. Sannai Hashimoto  
 ۵۵. Satcho Dohi  
 ۵۶. Joi  
 ۵۷. Ii Naosuke (۱۸۱۵-۱۸۶۰).  
 ۵۸. Heusken  
 ۵۹. Family hostage systems حکومت شگونی توکوکاوا برای پیشگیری از هر نوع شورش احتمالی در قرن هفدهم گروگان‌گذاری اعضای خانواده اشراف فتودال را مرسوم ساخت که بر طبق آن اشراف فتودال به‌طور متناوب یک سال با ۶ ماه در تیول خودشان و در پایتخت شگونی یعنی یئو اقامت می‌کردند. اینها هنگامی که در تیول خودشان بودند، همسر و فرزندان‌شان را در پایتخت شگونی به رسم گروگان باقی می‌گذارند.  
 ۶۰. این نیرو اساس ارتش ژاپن در سال‌های بعد گردید که الگویی کاملاً غربی داشت.  
 ۶۱. به سامورایی‌ها که ارباب نداشتند، رونین Ronin می‌گفتند.  
 ۶۲. Richardson  
 ۶۳. Shimonoseki در جنوب غربی جزیره هونشو.  
 ۶۴. Kagoshima در جنوب جزیره کیوشو.  
 ۶۵. Mutsuhito (۱۸۵۲-۱۹۱۲) نام امپراتوری است که دوران ۴۵ ساله سلطنتش به «عصر میچی» معروف است.  
 ۶۶. Tokugawa yoshinobu (keiki) آخرین شگون توکوکاوا. وی در سال ۱۸۶۷ به مقام شگونی رسید ولی در ۹ نوامبر همان سال کناره‌گیری کرد و تا پایان عمرش یعنی سال ۱۹۱۳ در املاک خصوصی‌اش به آسودگی زیست.  
 ۶۷. Osaka  
 ۶۸. Toba-Fushimi اولین نبرد از سلسله نبردهای معروف طرفداران حکومت شگونی با طرفداران امپراتور، این جنگ‌ها سرانجام در سال ۱۸۶۹ در مناطق شمال ژاپن پایان گرفت.  
 ۶۹. Mito در شمال شرقی توکیو.  
 ۷۰. Saigo Takamori (۱۸۲۷-۱۸۷۷) بعداً در رأس شورش علیه دولت قرار گرفت و در نبرد با نیروهای دولتی برای اینکه اسیر نشود دست به خودکشی زد. ولی به هنگام اعلام قانون اساسی میچی از او تجلیل به عمل آمد و سلب تهمت خیانت از وی شد.  
 ۷۱. Okubo Toshimichi (۱۸۳۰-۱۸۷۸).  
 ۷۲. Kido Koin (Takayoshi) (۱۸۳۳-۱۸۷۷).  
 ۷۳. Inouye Kaoru (۱۸۳۵-۱۹۱۵).  
 ۷۴. Ito Hirobumi (۱۸۴۱-۱۹۰۹).  
 ۷۵. Itagaki Taisuke (۱۸۲۷-۱۹۱۹).  
 ۷۶. Okuma Shigenobu (۱۸۳۸-۱۹۲۲) وی در سرکوب شورش سایگو به عنوان رئیس دفتر اقدامات دولتی جهت هدایت نیروهای سرکوبگر عمل نمود.  
 ۷۷. Yoshii Tomozane  
 ۷۸. Motoda Eifu (Nagazane)  
 ۷۹. Samuei Smiles, Self-Help.  
 ۸۰. Seichi Iwao, Biographical Dictionary of Japanese History, (Japan: International Society for Educational Information, ۱۹۷۸) pp. ۴۱۳-۴۱۴.  
 ۸۱. متن این سوگندنامه که در ۶ آوریل ۱۸۶۸ قرائت گردید، توسط میتسوئوکا هاجیرو که بیشتر به نام Yuri Kimimasa (۱۸۲۹-۱۹۰۹) معروف است و با همکاری کینو کوئین و Fukuoka Takachika (۱۸۳۵-۱۹۱۹) نوشته شد.  
 ۸۲. The five article oath  
 ۸۳. The Charter Oath  
 ۸۴. Dajokan مرکب از Da به معنی بزرگ، Jo به معنی حکومت، و Kan به معنی آتاره و دستگاه است.  
 ۸۵. Shinto مذهب قدیم ژاپن است که مبتنی بر اسرار طبیعت و پرستش Kami یا نیروی فوق طبیعی می‌باشد.  
 ۸۶. Three-Chamber system  
 ۸۷. Seiin  
 ۸۸. Sain